

خمیس خمیس انشت آرنج ورتہ بزفا

مجموعہ قطعات الہی

فاطمہ علیان

خیس خیس است آرام ورق بزن

- ❖ تالیف: فاطمه حاجی بابا علیان
- ❖ ناشر: نسیم حیات
- ❖ چاپ: جمفری
- ❖ نوبت و سال چاپ: اول/۱۳۸۷
- ❖ تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
- ❖ قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ❖ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۲-۴۵۰-۷

مرکز بخش

قم - میدان معلم - بلوار سمیه - خیابان شهیدین - پلاک ۸۷
تلفن: ۷۷۴۶۳۳۳ - ۰۲۵۱ تلفکس: ۷۷۴۹۵۳۴ - ۰۲۵۱

فهرست

- ۹..... مقدمه: قاصدک خیس مرده است
- ۱۲..... او مرد من نبود
- ۱۳..... پرتگاه
- ۱۴..... غریبه
- ۱۶..... برای تو می گویم
- ۱۹..... جوانه مسافر
- ۲۱..... فردای نزدیک
- ۲۲..... پنجره باز
- ۲۴..... از ته دل می گویم
- ۲۶..... پروانه اسیر
- ۲۷..... دوست داشتم برایت می گفتم
- ۲۸..... چگونه برایش بگویم
- ۳۱..... رفتن و باز رفتن
- ۳۳..... موضوع: تو کیستی؟
- ۳۴..... لالایی در سرما
- ۳۵..... نیمه‌ی پاییز
- ۳۸..... گمشده

- ۴۰ باید خواست
- ۴۱ شیی با تو
- ۴۵ شب یلدا
- ۴۸ من همونم
- ۵۳ تو چرا عوض شدی؟
- ۵۵ گریه‌های یاس
- ۵۷ و انا تو
- ۶۱ کاسه‌ی آب
- ۶۳ روز پاییزی
- ۶۶ آخ که چشات

مقدمه

﴿قاصدک خیس مرده است...﴾

نگرانم، نمی‌دانم لا به لای این همه نگرانی می‌توانم جایی برای تو باز کنم...
حرارت تمام تنم را می‌سوزاند و من شتابان به سوی وزشی می‌گردم تا
خاموشم کند، تا باز بخندم،...

قلم در دستم، اما دستم به سوی تو، پس کی برایت بنویسم، بنویسم که...
بنویسم که من انسان نیستم، من قاصدکم، قاصدک...
آخ که وجودت میان قاصدک‌ها، آرام‌کننده‌ی لرزش دهانم است، تا برایت
حرفهای نشنیده‌ی دختر کابوس دیده در بیداریش را بگویم.
من به زیر تگرگ راه می‌رفتم و تا صبح از خدا می‌خواستم که از عاشق شدن
ترسم.

بی قرارم، هیجان تمام زندگیم هست، پاییز بهارم هست، گل قاصدک عطر
خوش بوی تم هست، مدام داغی دستانت هست، و آینه رسوای رخم هست، من
عاشق هستم ولی عشقم مرا دورادور نفرین می کند و آن عشق انسان است...
آه که خارم، در جهانی هستم تا باشم، بدون رهگذری از نام قاصدک حتی
آن هم با من قائم با شک بازی می کند...

آهای انسان‌ها، من تمام بدنم می لرزد، من از گناه می ترسم...
پاییز، باران، چتر، پس قاصدک چی؟ قاصدک زیر باران است، یکی آن را
نجات دهد...

چهره‌هایمان شبیه التماس است، دستهایمان به سوی آدمکها دراز است، چرا
چترمان باید پاره باشد و شما به زیر چترهای سیاه پوش خویش شعرهای خاک
خورده‌ی دلتان را زمزمه می کنید...

مگر قاصدک خدا ندارد، اگر دارد چرا هیچ کس او را باور ندارد...